

عمر باید که نایک کود که از روی طبع
حالی گردد کویا شاعری شیرین سخن سنان

فصل سوم

سبک شعر فارسی از اواسط قرن پنجم تا آخر قرن ششم

شخصی که سیر تاریخ ادب فارسی را در مطالعه می گیرد بخوبی در می یابد که این قرن از قرون مهم و درخشانده شعر و نثر فارسی است. بسیاری از شاعران و نویسندگان استاد و هنرمند در این عصر پدید آمده اند که شعر و سخن آنان بعدها مورد تقلید شاعران و نویسندگان بزرگ قرار گرفت.

برای نمونه می توان اقرار کرد که شعر حافظ در بسیاری از مواقع به تقلید از اشعار خاقانی شروانی سروده شده است. (۱) یا غزل سعدی در پاره ای از جاها تحت تأثیر غزل انوری ایوردی است. (۲) یا اشعار مولانا - خاصه از جهت محتوا و فکر - دنباله رو و پی گیر اشعار سنایی و عطار می باشد (۳) در نثر نویسی نیز وضع بدین منوال است و نمونه های فراوانی از آن نیز می توان ذکر کرد که در جایگاه خود باید بدان مبحث پرداخت.

از دیدگاه سبک شناسی، در شعر این دوره سه نوع سبک وجود داشت بدین قرار:

الف - سبک بینابین (خراسانی - عراقی):

ب - سبک عراقی قرن ششم:

ج - سبک آذربایجانی:

سبک بینابین یا حد وسط سبکی است که به منزله پلی سبک خراسانی را به سبک عراقی عبور می‌دهد. از این روست که در اشعار اینگونه شاعران هم خصایص سبک خراسانی را باز می‌یابیم و هم رگه‌هایی از سبک عراقی را می‌توان باز جست. شعر این شاعران آغاز یک تحول مهم در ادب فارسی است. شاعران معروف و درخشان این سبک عبارتند از: مسعود سلیمان، سنایی غزنوی، ازرقی هروی، ناصر خسرو قبادیانی، قطران تبریزی، لامعی گرگانی، ابوالفرج رونی و نظایر آنها. این شاعران اگرچه پیرو سبک خراسانیند و شعرشان از دیدگاه سبکی دنباله سبک خراسانی است اما تفاوت‌هایی با اشعار شاعرانی چون فرخی، منوچهری رودکی و عنصری دارند که همین تفاوتها به مرور سبک شعر فارسی را تغییر داد، شبلی نعمانی در شعر العجم خویش به خوبی و با دقت تمام به این نکته توجه داشته است، مثلاً در جایی که در باب سبک اشعار سنایی غزنوی بحث می‌کند چنین گفته است: «هر چند شاعری قدما طبیعی بود ولی طرز تعبیر و اسلوب ادا شاعرانه نبوده است بلکه آنچه می‌گفتند بدون پیرایه و صاف و روشن می‌گفتند و اما یک حرف معمولی را به طرزی نوین و بدیع بیان کردن و یا از یک موضوع ساده دلایل منطقی و نکات عقلی درآوردن باید دانست که آن قریحه‌ای است مخصوص به متوسطین و متأخرین و موجد آن هم حکیم سنایی است» (۴). استاد بدیع الزمان فروزانفر در کتاب نفیس سخن و سخنوران جایی که بحث از سبک اشعار مسعود سعد می‌کند به این تغییر تدریجی سبک توجه داشته: «تعبیرهای تازه و ترکیبهای بدیع اختراع کرده، طریق دیگر در عرصه ادب ممهّد ساخته» (۵) ورود مفاهیم فلسفی، کلامی و خاصه عرفانی در اشعار شعرايي چون ناصر خسرو، سنایی و حتی مسعود سعد از لوازم این تغییر سبک به شمار می‌رفت.

اما سبک عراقی قرن ششم را باید در شعر شاعرانی چون انوری ایبوردی، جمال الدین اصفهانی، ظهیرالدین فاریابی و اثیرالدین آخسیکتی جستجو نمود. در اشعار این شاعران نیز هرچند برخی از خصایص سبک خراسانی هنوز وجود دارد و

خودنمایی می‌کند اما رفته رفته آن سبک در دیوان آنان جای خود را به سبک عراقی داده است و شعر اینگونه شاعران است که بعدها در قرون هفتم و هشتم (چه در قالب قصیده^(۶) و چه در قالب غزل^(۷)) به تقلید گرفته می‌شود و طبعاً به کمال می‌رسد و از این جهت این شاعران در پهنه میدان ادب فارسی نقشی مهم و بسزا دارند، بیان این سخن گزاف و مبالغه نیست که قرن ششم یکی از پربرترین و گرانبهارترین قرون شعر و ادب فارسی است بسیاری از شاعران و نویسندگان این عصر استادان و مرشدان شاعران و نویسندگان قرون بعد محسوب می‌گردند قرن ششم مغز متفکر و خلاق شعر فارسی است و گنجینه‌های خوبی چون دیوان انوری، آثار خاقانی شروانی، آثار نظامی گنجوی، آثار عطار نیشابوری را به عالم فرهنگ و شعر این مرز و بوم هدیه کرده است.

مهمترین خصایص سبکی شعر قرن ششم بدین قرار است:

- ۱- از دیدگاه وزن: وزنها در این سبک روان‌تر و سخته‌تر شده است و تسلط شاعر بر لطافت شعر از طریق وزن بیشتر مشهود است.
- ۲- از دیدگاه قالب شعری: در این دوره قوالب شعری بیشتری مجال ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. البته در قرن ششم قالب مسلط همان قصیده است اما قطعه سازی نیز تا حد زیادی رواج پیدا می‌کند چنانکه در قطعات استادانه انوری مشاهده می‌کنیم غزل به شیوه معمول شعر فارسی در اواسط قرن پنجم به وجود می‌آید که بعضی ابداع آن را به سنایی غزنوی منسوب می‌کنند^(۸) در قرون پیشین غزل از این نمط یافت نمی‌شود و اگر هم هست به شیوه تغزل است که پیش از این در جای خود در باب آن بحث به میان آمد. غزلیات این دوره - علی‌رغم شهرت کمتری که دارد - بسیار لطیف و عاطفی است و بی تردید مورد تقلید شعرای بزرگ غزلسرای قرون بعد همچون: مولوی، عراقی، سعدی، خواجه، سلمان و حافظ است، از نظر محتوا نیز غزل این دوره مانند تغزلهای پیشین کاملاً در خدمت عشق پست و هوسهای زودگذر نیست مرغ عشق گاه از زمین پرواز می‌کند و بر فراز آسمان عرفان به جولان می‌پردازد ما این نوع خیزش و جنبش را حتی در بعضی از غزلیات انوری - که علی‌القاعده از این عوالم بدور است - نیز می‌یابیم.^(۹) رباعی سازی نیز در این

دوران و اندکی هم پیش از آن رونق می‌گیرد خاصه در شعرهای صوفیانه، مانند رباعیات منسوب به ابوسعید ابوالخیر. خیام نیشابوری بزرگترین شاعر معروف به رباعی سازی نیز در این عهد است - هر چند که بسیاری از رباعیات منسوب به او از آن دیگران همچون خاقانی، عطار، کمال الدین اسماعیل، مولانا جلال الدین رومی است - ترکیب بند و ترجیع بند نیز گاه امکان بروز پیدا می‌کند چنانکه در ترکیب بند معروف جمال الدین اصفهانی در نعت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مطلع:

ای از بر سدره شاهره
وی قبه عرش تکیه گاهت (۱۰)

می‌بینیم. مثنوی سرایی نیز نسبتاً رونقی دارد.

۳- از دیدگاه صنایع بدیعی و مباحث بیانی و بلاغی: در شعر این دوره همچنان توجه به صنایع لفظی بدیعی رونق دارد، در این باب به نمونه‌های زیر اشارت می‌رود:

صنعت موازنه و مماثله:

ای تو محسود فلک هم آز را گشتی اسیر
وی تو مسجود ملک هم دیو را گشتی شکار (۱۱)
(جمال الدین اصفهانی)

جناس، بازی با الفاظ (ژدمو):

دریا و کان بدل نکند بر مکان مکان

او کرد و از مکان سوی برتر مکان رسید

از دور آسمان که هوا و هوان ازوست

او را هوا و حاسد او را هوان رسید (۱۲)

(سوزنی سمرقندی)

جناس، تضاد یا مطابقه:

خسروا بخت همنشین تو باد

مشری در قران قرین تو باد

خاتم و خنجر قضا و قدر

در یسار تو و یمین تو باد (۱۳)

(انوری)

لف و نشر، جناس:

گویم از رای و رایت شب و روز

دو اثر در جهان عیان باشد

رای تو رازها کند پیدا

که ز تقدیر در نهان باشد

رایت فتنها کند پنهان

که چو اندیشه بیکران باشد (۱۴)

(انوری)

لف و نشر، تضاد یا مطابقه:

ز نور و ظلمت بر روی آسمان و زمین

هوا ز قوس و قزح در هزار گونه خضاب

یکی چو آینه‌ای زیر پرده ظلمات

یکی چو برگ سمن زیر لاله سیراب (۱۵)

(عمیق بخارایی)

جناس، لف و نشر:

در دست پلنگینه شب از نور غزاله

هر جا که غزالی است سراینده غزل شد

با فضله خون و قدحش جدول و بستان

این صحن بهشت آمد و آن جوی عسل شد (۱۶)

(اثیرالدین اخسیکتی)

در کنار صنایع لفظی، صنایع معنوی بدیعی و بلاغی و بیانی نیز رواج دارد مخصوصاً تشبیه و انواع آن فراوان است و استعاره نیز کم و بیش رواج گرفته است، رفته رفته تشبیهات محسوس - که البته در این دوران هنوز رونق کامل دارد - کم رنگ تر می شود و تشبیهات وهمی و عقلی جای آن را می گیرد. ازرقی هروی شاعر معروف آن روزگار به ساختن و ابداع تشبیهات وهمی مشهور است، ظهیر قاریابی، انوری و مخصوصاً خاقانی شروانی و نظامی - دو شاعر معروف سبک آذربایجانی که بعداً در جای خود بدان سبک می پردازیم - از مبتکران و سازندگان انواع تشبیهات و استعارات زیبا و جذاب هستند. ذیلاً به چند نمونه از تشبیهات در شعر شاعران این دوره اشارت می کنیم:

ژاله سپر برف ببرد از کتف کوه چون رستم دستان به خم آورد کمان را (۱۷)

(انوری)

رخ او لالهستان بود و سر زلفک او

زنگیان داشت ستان خفته بر آن لاله ستان

نهاد نرگس رعنا به خواب مستی سر
هنوز ناشده از چشم او نشان خمار (۲۲)
(ظهیر فاریابی)

استعاره مصرّحه:

رخم ز دیده پر از خالهای شنگرفی
پر از طپانچه پر از شاخه‌های نیلوفر (۲۳)
(انوری)

نگارا! تا تو از سنبل تراز ارغوان کردی
رخ چون ارغوان من به رنگ زعفران کردی
ز مشک روی من کافور پیدا گشت از آن حسرت
که تو کافور روی خود به مشک اندر نهان کردی (۲۴)
(رشید و طواط)

۴- از دیدگاه محتوا و فکر: شعر قرن ششم از نظر فکری بسیار متنوع و در خور اعتناست، بسیاری از شاعران این دوران از دانشهای گوناگونی بهره برده‌اند و برای فضل فروشی بسیاری از آن دانسته‌ها را در اشعار خود به کار گرفته‌اند بطوری که بعضی از دیوانهای شعر در این زمان همچون دیوان خاقانی و دیوان انوری به دائرة المعارفی گرانبها تبدیل شده است.

در این مقام به پاره‌ای از موضوعات مندرج در اشعار این قرن اشارت می‌شود:
الف- افکار عرفانی و صوفیانه: در قرن پنجم و ششم شعر فارسی آراسته می‌شود به زینت افکار عرفانی، البته تأثیرگیری شاعران این عصر از عرفان رونقی تمام ندارد و پاره‌ای از آنان بدان روی کرده‌اند (۲۵) شاید بتوان گفت که از عرفان در شعر این روزگار بیشتر به جنبه‌های اخلاقی آن اعتنا شده است البته در قرن پنجم سنایی و بعد در قرن ششم عطار خود از قهرمانان عرفان هستند که بسیاری از ملاحظات عرفان - خاصه عرفان عملی - را برای اولین بار به شکل ابداعی وارد شعر فارسی کردند. ولی پختگی و رشد عرفان در شعر فارسی بیشتر در قرن هفتم متعین است.
ب- افکار کلامی: به دفاع از اصول اعتقادات اشعری و به تعاقب آن طرد افکار فلسفی و خردگرایانه و طعن زدن به فلاسفه بزرگ مشائی خاصه ابن سینا. در این

قرون به دلیل روی کار آمدن سلسله‌های متعصب و قشری غزنوی و سلجوقی و ظهور علما و دانشمندانی بزرگ چون امام ابو حامد غزالی و امام فخر رازی که با فلسفه‌گرایی و افکار معتزله شدیداً مخالف بودند افکار کلامی اشاعره شدیداً رشد کرد و بازتاب آن در ادبیات فارسی خاصه شعر این دوره فراوان است. ذیلاً به چند نمونه از این گونه افکار اشارت می‌شود:

شراب حکمت شرعی خورید اندر حریم دین
 که محرومند از این عشرت هوس گویان یونانی (۲۶)
 سنایی غزنوی

رحمة للعالمین آمد طبیعت زو طلب
 چه از این عاصی و ز آن عاصی همی جویی شفا
 کان نجات و آن شفا کارباب سنت جسته‌اند
 بوعلی سینا ندارد در نجات و در شفا (۲۷)
 سنایی غزنوی

ره به قرآن است کم خون هرزه یونانیان

اصل اخبار است مشنوقصه اسفندیار
 جمال الدین اصفهانی (۲۸)

فلسفه در سخن میامیزید	و آنگهی نام آن جدل منهد
نقد هر فلسفی کم از فلسی است	فلس در کیسه عمل منهد
مرکب دین که زاده عرب است	داغ یونانش بر کفل منهد
قفل فرسوده ارسطو را	بر در احسن الملل منهد
نقش فرسوده فلاطون را	بر طراز بهین حلل منهد (۲۹)

(خاقانی شروانی)

البته آثار و رسوب اینگونه افکار تا قرون متمادی در شعر و ادب فارسی و افکار بزرگان این آب و خاک باقی ماند و شاعرانی همچون حافظ، جامی، شیخ بهاء الدین عاملی (شیخ بهایی) در آثار خویش این توهین و ملامت را به فلاسفه روا داشتند مثلاً بخش قابل توجهی از دو مثنوی زیبای شیخ بهایی یعنی نان و حلوا و شیر و شکر مصروف همین طعن و لعن هاست.